

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۴، بهار و تابستان ۱۴۰۱، شماره ۲۷

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۷۱-۹۴

بررسی نقش مرجعیت صادقین علیهم السلام در انحصار برخی از روایات علوی در منابع اهل سنت

سمانه فتحی*

غلامرضا رئیسیان**

◀ چکیده

برخی از روایات علوی فقط در منابع اهل سنت یافت می‌شود. چه بسا تصور شود هیچ‌یک آن‌ها قابل اعتماد نیستند؛ زیرا در سده دوم هجری، احادیث ساختگی به معارف علوی راه یافت. یکی از مسائل فراروی پژوهشگران بی‌اعتمادی بدین روایات به سبب ذکر نشدن آن‌ها در منابع شیعی است. شاید یکی از دلایل راه نیافتن احادیث به منابع شیعی، ظهور مرجعیت صادقین علیهم السلام برای دستیابی محدثان به میراث علوی بود و از توجه نسبت به دیگر روایان انتقال‌دهنده این میراث کاسته شد؛ بنابراین برخی از احادیث علوی برخی از این روایان که از سوی صادقین علیهم السلام نقل نشده، در انحصار منابع اهل سنت باقی ماند. این نوشتار به منظور بررسی این موضوع، روایان فعال این عرصه روایی را در کوفه - محیط تأثیر یافته از این مرجعیت - شناسایی می‌کند. سپس با روش توصیفی تحلیلی منقولات این روایان را با روایات صادقین علیهم السلام مقایسه می‌کند تا چگونگی اعتماد به این روایات را با نگاهی استقرایی بیابد. در آخر نیز با تحلیل اسناد و متون و گونه‌شناسی روایات علوی منقول از این روایان در منابع شیعه، برخورد محدثان شیعی را با آن روایان مورد سنجش قرار می‌دهد. نوشتار حاضر نشان داد که اشتراک محتوایی این احادیث با روایات صادقین علیهم السلام، علاوه بر اینکه هم‌راستایی فعالیت حدیثی آنان را با صادقین علیهم السلام نشان می‌دهد، اعتماد اجمالی به دیگر احادیث علوی از این روایان را پدید می‌آورد و احتمال ساختگی بودن آن‌ها را می‌کاهد. همچنین این پژوهش، گرایش محدثان شیعی کوفی را به نقل روایات میراث علوی از طریق صادقین علیهم السلام به تصویر می‌کشید.

◀ کلیدواژه‌ها: روایات امام علی علیه السلام، منابع اهل سنت، مکتب جعفری، مرجعیت علمی صادقین علیهم السلام.

* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، samaneh.fathi@mail.um.ac.ir

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول، raeisian@um.ac.ir

۱. طرح مسئله

امام علی علیه السلام به عنوان یکی از مهم ترین صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله مورد توجه محدثان اهل سنت بوده و اهتمام ویژه‌ای به نقل روایات آن حضرت در منابع حدیثی اهل سنت صورت گرفته است. با وجود برخی از محتواهای متضاد در فریقین، بخشی از این روایات مشترک است و بخشی دیگر - اصل یا بخشی از روایت - در انحصار منابع اهل سنت قرار دارد. این روایات انحصاری از کتاب *المستدرک الثانی لوسائل الشیعة* أو *أحادیث الأئمة الطاهرین بأسانید العامة و المخالفین اثر محمود قانصو*، قابل شناسایی است. با مراجعه بدین نگاشته، می‌توان دریافت که گستره روایات انحصاری امام علی علیه السلام در مقایسه با دیگر امامان علیهم السلام بیشتر است.

با وجود اهمیت بسزای احادیث علوی نزد شیعیان، نمی‌توان به آسانی از این روایات بهره برد؛ زیرا با ابهاماتی چون چرایی عدم نقل این روایات در منابع شیعه مواجه است. چگونه این انحصار با اهتمام همیشگی محدثان شیعه به منقولات امام علی علیه السلام قابل توجیه است؟ آیا با وجود گزارش‌هایی از ساختگی بودن برخی از روایات آن حضرت، اعتماد به این احادیث ممکن خواهد بود؟ چگونه؟ (برای آشنایی با روایاتی که به احادیث ساختگی نسبت به آن حضرت اشاره دارد، نک: طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۵؛ همو، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۹؛ حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲-۱۳؛ کلینی، ۴۲۹ق، ج ۳، ص ۵۵۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۷۱)

گویا پاسخ بدین پرسش‌ها منوط به بررسی این آسیب و راهکار ایجادشده از سوی محدثان شیعی است. احادیث ساختگی از علی علیه السلام در عصر صادقین علیهم السلام - اوایل سده دوم هجری - گسترش یافت؛ به طوری که اصالت و صحت احادیث منقول از علی علیه السلام با وجود احادیث جعلی مورد تردید قرار گرفت. با وجود بی‌اعتمادی به احادیث علوی، صادقین علیهم السلام به عنوان مرجعی مطمئن برای دریافت میراث علوی مورد توجه قرار گرفتند؛ چنان‌که خود را این‌گونه معرفی می‌کردند. (کلینی، ۴۲۹ق، ج ۲، ص ۳۲۶-۳۲۷) همچنین شاهد مراجعه راویان شیعی و عامی به صادقین علیهم السلام هستیم که احادیث علوی را از آنان جست‌وجو می‌کردند. (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۵؛ همو، ۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۷۱؛ حمیری، ۴۱۳ق، ص ۱۲-۱۳؛ کلینی، ۴۲۹ق، ج ۳،

ص ۵۵۳) گویا این مرجعیت، تعامل محدثان شیعی را در دستیابی به میراث علوی تحت تأثیر قرار داد و توجه محدثان شیعی به روایان غیرصادقین علیهم السلام که احادیث علوی را نقل می‌کردند کاسته شد. بدین شکل، زمینه عدم تقل این روایات در منابع شیعه را فراهم آوردند و انحصار برخی از این روایات را در منابع اهل سنت پدید آمد.

پژوهش حاضر هم‌زمان چند هدف را دنبال می‌کند: ۱. ترسیم مرجعیت صادقین علیهم السلام در انتقال میراث علوی؛ ۲. چگونگی اعتماد به روایات انحصاری امام علی علیه السلام؛ ۳. نحوه تعامل محدثان شیعی نسبت به منقولات علوی از غیرصادقین علیهم السلام.

۱-۱. پیشینه تحقیق

مرجعیت صادقین علیهم السلام در انتقال میراث علوی مصادف با ظهور مکتب جعفری است. شاید بتوان این مرجعیت را از جلوه‌های بروز این مکتب دانست. از این رو در راستای مطالعه پیشینه مبحث مورد نظر، به کتاب‌ها و مقالات نگاشته شده در تبیین مکتب جعفری توجه شد؛ برای نمونه، مقالاتی با عنوان «امام صادق علیه السلام و شکل‌گیری مکتب جعفری» از (حقیقی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۳۷-۱۴۰)، «شرایط علمی و فرهنگی در عصر امام صادق علیه السلام و بستر شکل‌گیری مذهب جعفری» (پاکنچی و دیگران، ۱۳۹۱ش، ص ۳۱-۶۶) و «نقد و بررسی حدیث در مکتب جعفری» (صحرائی اردکانی، ۱۳۹۱ش، ص ۳۱۷-۳۳۸) در این میان برخی از پژوهشگران به این موضوع توجه کردند و انتقال میراث علوی را تأثیر یافته از احادیث صادقین علیهم السلام دانستند؛ به طوری که معتقدند روایات موجود امام علی علیه السلام در عصر صادقین علیهم السلام، سبب برداشت‌های اشتباه از روایات آن حضرت می‌شد و برای ترس از جعل و تحریف آن‌ها به نقل آن اقدام نمی‌کردند. بنابراین فزونی احادیث صادقین علیهم السلام نسبت به احادیث علوی در منابع شیعه مشاهده می‌شود. (نک: پاکنچی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۴۳) این پژوهش، فقط اشاره‌ای مختصر و محدود به منابع شیعی بوده و آن را در منابع اهل سنت بررسی نکرده است. بنابراین این نوشتار، با نگاهی گسترده‌تر بدین موضوع در خصوص تأثیر نقش مرجعیت صادقین علیهم السلام در انحصار برخی از روایات علوی در منابع اهل سنت انجام می‌پذیرد.

۲. مرجعیت علمی صادقین علیهم السلام و میراث علوی

در نیمه ابتدایی سده دوم هجری روایاتی ساختگی از امام علی علیه السلام در کوفه رواج یافت؛

به طوری که از لحاظ محتوایی در تضاد با تعالیم صادقین علیهم السلام بود؛ مانند اینکه کوفیان بنا بر روایتی از علی علیه السلام وضوی قبل از غسل جنابت را واجب می دانستند، در حالی که امام محمدباقر علیه السلام آن را تکذیب و آن را مخالف با کتاب امام علی علیه السلام بیان کردند. (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۲۵؛ همو، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۹) شاهدی دیگر پرسش مسعدة بن صدقه درباره روایت سب و برائت امام علی علیه السلام است. آن حضرت توضیحی را بر نادرست بودن آن بیان کردند. (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲-۱۳؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۵۵۳) عبارت «ما أكثر ما یکذب الناس علی علی علیه السلام» در ضمن نقل این روایت در کافی آمده است که از فزونی کذب بر آن حضرت گزارش می دهد. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۵۵۳) عیاشی نیز از طریق دیگر این خبر را از معمر بن یحیی بن سالم عجللی - راوی کوفی (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۲۵) - نقل کرده است. (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۷۱) افزون بر جعلیات، برخی احادیث با نام های دیگران نیز نقل می شد. چنان که برای احادیث نقل شده از امام علی علیه السلام و خلیفه دوم می بینم. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۳، ص ۱۵۳)

با توجه به مطالب فوق، بی اعتمادی به متن روایات علوی پدید آمد و در نقل این روایات تردید پدید آمد. در این حال صادقین علیهم السلام برای اصلاح وضعیت موجود اقداماتی را انجام دادند؛ به طوری که سخنان خویش را به کتاب امام علی علیه السلام مستند می کردند. چنان که امام محمدباقر علیه السلام کتاب فرائض را - املائی پیامبر صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام - بر محمد بن مسلم قرائت کرد. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۳، ص ۵۶۰) رفتار مشابهی نیز در مراجعه زراره به آن حضرت در موضوع ارث «الولد مع الأبوين» مشاهده می شود؛ به طوری که امام علیه السلام کتاب فرائض علی علیه السلام را به وی نشان داد و امام صادق علیه السلام آن را بر زراره قرائت کرد. (همان، ج ۱۳، ص ۵۶۱)

همچنین امام محمدباقر علیه السلام به طور صریح بیان کردند که در صورت پراکندگی امور و خطا در میان مردم، سخن صحیح متعلق به امام علی علیه السلام است و اهل بیت علیهم السلام مرجع دستیابی به آن هستند. (همان، ج ۲، ص ۳۲۶-۳۲۷) نمونه دیگر پاسخ امام باقر علیه السلام به شخص کوفی است که از صحت حدیث «سلونی عما شئتم، فلا تسألونی عن شیء إلا نبأکم به...» جو یا شد. آن حضرت نقل می کرد که علم از آن امام علی علیه السلام است و اکنون از ایشان دریافت می شود. در هنگام نقل این روایت به خانه خویش اشاره می کردند.

(همان، ج ۲، ص ۳۲۷) گویا این رفتار اشارتی بر صحیفه علی علیه السلام است که نزد اهل بیت علیهم السلام نگهداری می‌شد.

شایان ذکر است که مشکل موجود به فضای حدیثی شیعی اختصاص نداشت و برخی از روایان عامی را نیز به این تردید کشاند؛ به طوری که این روایان برای دستیابی به احادیث صحیح امام علی علیه السلام به صادقین علیهم السلام مراجعه می‌کردند. شاهد بر این ادعا، مسعده بن صدقه راوی عامی است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۴۶) که پیش‌تر در مورد وی سخن به میان آمد. (نک: حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳-۱۲؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۵۵۳) مسعده روایات دیگری را از امام علی علیه السلام از طریق امام صادق علیه السلام دریافت کرده که در منابع حدیثی فریقین ذکر شده است. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۲۲۶-۲۲۷؛ نیز ج ۹، ص ۴۱۳، ج ۲، ص ۳۴۳ و ج ۵، ص ۳۲۴؛ صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۳۲؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۶، ص ۳۳؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۳۶، ص ۳۹۰؛ ابوسعید مروزی، ۱۴۰۱ق، ص ۴؛ رافعی قزوینی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۶۲) گویا این تعدد نقل با توجه به همسانی در اسناددهی، بیانگر منطقی در رفتار آن راوی است؛ به طوری که جایگاه امام صادق علیه السلام را در دریافت احادیث علوی نشان می‌دهد.

شایان توجه است که شکل‌گیری این مرجعیت به معنای بی‌اعتمادی به تمام احادیث علوی از طریق غیر صادقین علیهم السلام نیست، بلکه به عنوان راهی مطمئن در دستیابی به منقولات امام علی علیه السلام است. مؤید این سخن در ضمن تعریف ابان از شیعه مشخص می‌شود؛ وی مراجعه به امام جعفر صادق علیه السلام را معیار پذیرش روایات اختلافی امام علی علیه السلام می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۲) و این به معنای نفی روایات صحیح و غیراختلافی امام علی علیه السلام از غیر صادقین علیهم السلام نیست. مؤید دیگری بر این مطلب، موافقت امام صادق علیه السلام با برخی از روایات آن حضرت است؛ چنان‌که در عرضه روایتی از سوی صباح بن سیابه - راوی کوفی و از اصحاب امام صادق علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۲۶) - به امام صادق علیه السلام مشاهده می‌شود. گاه این روایت در منابع شیعی از امام صادق علیه السلام نقل می‌شود (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۲۸؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۰۲-۴۰۳) و گاه نامی از آن حضرت در طریق روایت ذکر نمی‌شود. (حسین بن سعید، ۱۴۰۲ق، ص ۱۴؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۲۷) شاید بتوان آن را بیانگر نقش صادقین علیهم السلام در راستی‌آزمایی این

روایت دانست.

همان طور که یادآور شدیم، با شکل گیری مرجعیت صادقین علیهم السلام تعالیم امام علی علیه السلام از جعلیات حفظ گردید، اما در عین حال از سوی برخی محدثان شیعی بی مهری و کم توجهی به دیگر راویان احادیث علوی صورت گرفت. بدین سان برخی از این روایات را در منابع شیعی نقل نگردید و انحصار آن‌ها در منابع اهل سنت پدید آمد. با نظر به اهمیت این موضوع و درک صحیحی از نحوه تأثیرگذاری این موضوع بر انحصار مذکور، ابتدا این امر مورد توجه قرار گرفت که با توجه به ظهور این مرجعیت در کوفه، راویانی از احادیث انحصاری را مورد مطالعه قرار دهیم که ساکن این بافت حدیثی بوده و هم‌عصر با صادقین علیهم السلام فعالیت می‌کردند. در این راستا، احادیث علوی منقول از آنان مورد بررسی قرار گرفت. بدین شکل که با روش توصیفی تحلیلی، مرویات این راویان در منابع اهل سنت با مفاهیم منقول از صادقین علیهم السلام مقایسه و مقارنه شد. سپس با توجه به نتیجه مرحله پیشین و با رویکرد استقرایی در مورد ساختگی بودن دیگر احادیث راویان داوری گردید. در آخر نیز برای دستیابی به رویکرد محدثان شیعی نسبت به این راویان، اسناد و متون احادیث علوی از این راویان در منابع شیعه، تحلیل و گونه‌شناسی شد.

شایان ذکر است که در مقایسه احادیث علوی این راویان با مفاهیم منقول از صادقین علیهم السلام، این گونه محتمل است که اگر مفاهیم متضادی به دست آمد، راوی متشرکننده احادیث جعلی به شمار می‌آید؛ بنابراین محدثان شیعی به دلیل عدم اعتماد آن روایات را نقل نکردند. در مقابل در صورتی که این احادیث منقول از علی علیه السلام در روایت صادقین علیهم السلام مشترک بود، اطمینان نسبی به منقولات راوی ایجاد می‌کرد. البته این نکته به معنای صحت تمامی احادیث این راوی نیست، بلکه به طور اجمالی بدان پرداخته شده است.

۳. راویان احادیث انحصاری امام علی علیه السلام در منابع اهل سنت

سلیمان بن مهران، اسرئیل بن یونس، زهیر بن معاویه و سعید بن ابی‌عروب‌ه از راویانی هستند که احادیثی را از امام علی علیه السلام نقل می‌کنند، در حالی که فقط در منابع اهل سنت یافت می‌شود. در این بخش با ذکر شواهدی بدان‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱. سلیمان بن مهران

سلیمان بن مهران (۶۱ - ۱۴۷)، معروف به اعمش، از محدثان کوفی در عصر خود بوده و چهار هزار حدیث از وی نقل شده است. (عجلی، ۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۳۲) نام وی در اسناد روایات انحصاری امام علی علیه السلام در منابع اهل سنت مشاهده می‌شود. برای آشنایی با این روایات به مباحث زیر رجوع کنید:

- «دفع الحد بالاضطرار الی مقتضیه» (سعید بن منصور، ۴۱۷ق، ج ۲، ص ۹۶؛ بیهقی، ۴۲۴ق، ج ۸، ص ۴۱۱؛ شافعی، ۴۱۰ق، ج ۷، ص ۳۶۵)؛

- «الاغتسال فی اللیلة الباردة» (ابن ابی شیبہ، ۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۸۱)؛

- «فی اجتناب الأهواء» (دارمی، ۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۴۵؛ کوفی، ۴۱۰ق، ص ۳۷۹)؛

- «بکره أن یکتب المصحف فی الشیء الصغیر» (سعید بن منصور، ۴۱۷ق، ج ۱، ص ۸۳)؛

- «لزوم خوف الله بعد بلوغ الاربعین و اقتراب الاجل». (سیوطی، ۴۱۷ق، ج ۱،

ص ۱۲۷؛ ابوشجاع دیلمی، ۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۱۵)

برخی از رجالیان اهل سنت بر شیعی بودن این راوی تصریح می‌کنند. (مغلطای بن قلیج، ۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۹۵) پدر وی، مهران، از همراهان امام حسین علیه السلام در روز عاشورا بوده است. (همان‌جا)

با وجود این، اطلاعات دقیقی از اعمش در منابع شیعه وجود ندارد و فقط شیخ طوسی وی را ذیل اصحاب امام صادق علیه السلام برمی‌شمرد. (طوسی، ۴۱۵ق، ص ۲۱۵) هرچند اعمش در رجال برقی، مهمل توصیف می‌شود (برقی، ۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۷۸) این توصیف از مجهول‌الحال بودن اعمش حکایت نمی‌کند زیرا نام وی در قسم ثقات و مهملین کتاب برقی گزارش شده است (مامقانی، بی تا، ج ۲، ص ۶۵) سلیمان از آنجا که هم شیعه نامیده شده و هم روایات وی در منابع شیعه آمده است. (نک: صدوق، ۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۳۸؛ همو، ۳۹۸ق، ص ۱۶۱-۱۶۲ و ۱۹۴-۱۹۵؛ همو، ۳۷۶ش، ص ۳۶۰ و ۶۵۷؛ همو، ۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۲۵) پس چگونه است که در کتاب‌های رجال شیعه توصیفی از وی بیان نشده است؟

شاید بتوان آن را مرتبط با فرضیه مقاله دانست زیرا وی هم‌عصر امام صادق علیه السلام بوده،

روایات علوی بسیاری از وی به ویژه بیش از هزار حدیث در فضایل امام علی علیه السلام نقل شده است؛ هرچند در برخی از گزارش ها ده هزار حدیث به وی نسبت داده شده که ظاهراً ناشی از تصحیف است. (نک: مازندرانی حائری، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۰۵) گویا مرجعیت صادقین علیهم السلام و هم زمانی اعمش با آنان وی را به گونه ای گمنام ساخته است؛ برای نمونه چند روایات هم راستا از اعمش و صادقین علیهم السلام بیان می شود.

الف. روایتی از امام علی علیه السلام در موضوع رفع تکالیف نقل شده که اعمش در اسناد آن حضور دارد. (ابوداود سجستانی، بی تا، ج ۴، ص ۱۴۰) بخشی از این روایت نیز از طریق امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام در منابع شیعه ذکر شده است. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۱۵۲) این حدیث به طور کامل در دعائم الاسلام آمده است. (قاضی نعمان، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۵۶)

ب. اعمش روایت دیگری را در مورد طلاق از طریق ابراهیم از عابس بن ربیعہ از امام علی علیه السلام نقل می کند. (ابن جعد، ۱۴۱۰ق، ص ۳۵۵؛ ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۷۲؛ سعید بن منصور، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۱) این محتوا از طریق سکونی از امام صادق علیه السلام نیز روایت می شود. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۶۴۹) هرچند در سند این روایت، امام علی علیه السلام حضور ندارد ولی در شمار میراث علوی قرار می گیرد؛ زیرا اسناد برخی از روایات نوفلی از سکونی حاکی از جایگاه امام صادق علیه السلام در بیان احادیث علوی است. (شواهد بر آن بسیار است، برای نمونه نک: قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۴۹؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۴؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۳، ص ۵۹ و ج ۱، ص ۷۹) گویا به سبب اختصار و یکسانی تعالیم امامان علیهم السلام، نام علی علیه السلام در برخی از اسناد بیان نشده است.

ج. روایت دیگری از این راوی از امام علی علیه السلام درباره ارث نقل شده است. (دارمی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۹۱۹) روایات اعمش در این زمینه از لحاظ محتوایی مشابه نقل زرارہ از صادقین علیهم السلام از صحیفه فرایض امام علی علیه السلام است. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۳، ص ۵۷۱-۵۷۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۳۰۶)

این روایات و طرق موازی دستیابی به روایات امام علی علیه السلام در کوفه، نشان از ترجیح محدثان شیعی به نقل روایات علوی از طریق صادقین علیهم السلام دارد. این گرایش در محدثان شیعی آن زمان بیشتر نمایان می شود که بدانیم سلیمان بن مهران شخصیت شناخته شده ای

در میان شیعیان داشته و روایاتی از وی نقل شده است. با وجود این، آن دسته از احادیث علوی از اعمش مورد توجه قرار گرفت که از طریق امام صادق علیه السلام است. (صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۳۶۰ و ۶۵۷؛ همو، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۲۵؛ همو، ۱۳۹۸ق، ص ۱۹۴-۱۹۵) در نتیجه با وجود نقل روایات فراوان امام علی علیه السلام از طریق اعمش در منابع اهل سنت، تنها نقلی از این راوی مورد توجه محدثان شیعی قرار می‌گیرد که امام صادق علیه السلام در اسناد آن حضور داشته باشد. همچنین با دقت در اسناد برخی از نقل‌های اعمش از امام صادق علیه السلام نامی از امام علی علیه السلام نیامده است؛ چنان‌که احادیث متعددی از ابومعایبه بجلی - راوی شیعی کوفی و مورد اعتماد (المامقانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۵) - از اعمش از امام صادق علیه السلام نقل شده است. (نک: صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۴۷۸، ۵۰۶، ۵۳۱ و ۶۰۳) این‌گونه نقل روایات از آن حضرت، نمود مرجعیت علمی امام صادق علیه السلام است.

۳-۲. اسرائیل بن یونس

اسرائیل بن یونس بن ابی اسحاق (د. ۱۵۹) از جمله روایانی است که احادیثی را از امام علی علیه السلام بیان کرده که در منابع امامی ذکر نشده است. برای مطالعه برخی از این احادیث به موضوع زیر رجوع کنید:

- «استحباب الزکاة فیما لم یجب فیہ الزکاة من الخیل و الرقیق و الشعیر و غیرها» (ابن زنجویه، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۴۶؛ ابن خزیمه، ۱۴۳۱ق، ج ۴، ص ۳۰ و ج ۲، ص ۱۰۹۷؛ طحاوی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۲۲)؛

- «کان رسول الله صلی الله علیه و آله یوتر بتسع سور...» (ابویعلی موصلی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۵۶؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۹۸)؛

- «من کانت علیه قطعة من عذاب الله إنه لبشر یعنی الحمی من عذاب الله عز وجل» (ابن جعد، ۱۴۱۰ق، ص ۲۹)؛

- «استحباب زیادة البائع فی السلعة للمشتري» (عبدالرزاق صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۶۱؛ ابن ابی دنیا، ۱۴۱۴ق، ص ۸۶؛ دولابی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۱۱۲۳-۱۱۱۸؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۴۰۱؛ ابن حنبل، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۶۲۱)؛

- «النهی عن تعمد قتل من جاء کرها فی معسکر الکفار» (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۹۷؛ ابویوسف فارسی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۵۰۵؛ ابوبکر نیشابوری، ۱۴۰۵ق، ج ۱،

ص ۲۱۷؛ ابوسعید نقاش، بی تا، ص ۹۶؛ بوصیری، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۱۴؛ قاضی نعمان، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۳۷۶)

اسرائیل از روایان مورد اطمینان در رجال اهل سنت محسوب می شود. او با الفاظی چون ثقه (عجلی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۲۲)، امام، حافظ و حجت توصیف می شود. (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۳۵۵) بنا بر روایتی که از وی در مورد تعداد ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده، امامی بودن اسرائیل قابل فرض است. (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۰۶) به رغم نقل روایاتی از اسرائیل در منابع شیعه (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۱۲-۲۱۳؛ صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۴۴۰؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۱۸۴)، توصیفی از وی در کتاب های رجالی وجود ندارد؛ به طوری که برخی از رجالیان شیعی وی را مجهول الحال می دانند. (مامقانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳) تنها شیخ طوسی او را در ذیل اصحاب امام صادق علیه السلام نام برده است. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۶۵) تعبیر شیخ طوسی از طبقه راوی حکایت می کند ولی روایتی از وی از امام صادق علیه السلام در منابع حدیثی فریقین نقل نشده است.

از آنجا که اطلاعاتی از اسرائیل موجود نیست، آگاهی از چرایی عدم نقل برخی از روایات وی در منابع شیعی دشوار است. نامی از وی نیز در کتاب های فهرستی فریقین ذکر نشده است؛ بنابراین نمی توان وی را صاحب کتابی دانست و فرض از بین رفتن آثار اسرائیل را مطرح کرد. شاید بتوان برای پی بردن به زمینه های انحصار این روایات، به عصر و فضای حدیثی فعالیت راوی در کوفه توجه نمود زیرا اسرائیل بن یونس حیات علمی خود را در کوفه گذرانده است. (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۶، ص ۳۷۴) در جهت شناسایی فضای حدیثی راوی، توجه به محتوای نقل شده از سوی وی سودمند خواهد بود. چنان که محتوای بیشتر روایات این راوی از طریق جد خویش، عمرو بن عبدالله بن عبید ابواسحاق سبعی راوی شیعی (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱۱، ص ۲۰۶) است. (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۳۵۵) حجم بسیاری از میراث علوی در منابع فریقین از طریق ابواسحاق نقل می شود. با توجه به نقل روایات انحصاری علی علیه السلام از اسرائیل چنین برمی آید که وی متأثر از مرجعیت صادقین علیهم السلام باشد زیرا فعالیت وی هم راستا با این مرجعیت بوده و در یک عصر و بوم حدیثی می زیستند. روایات مشترکی از سوی اسرائیل در منابع اهل سنت و امام صادق علیه السلام نقل شده است. این تشابه در متون حدیثی

علاوه بر اینکه بر صحت محتوای این اخبار دلالت دارد، عدم اهتمام محدثان شیعی را به نقل میراث علوی از طریق غیر صادقین علیهم السلام نشان می‌دهد. چند مثال از طریق‌های موازی دستیابی به معارف علوی در زیر آمده است.

۱. اسرائیل روایتی را از طریق ابواسحاق از حارث اعور از امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله بیان می‌کند. (ابوداود طیالسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۵۰) این روایت در منابع شیعه، در باب «ما یصلی فیه و ما لا یصلی فیه من الثیاب و جمیع الأنواع» از طریق ابوجارود از امام باقر علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل می‌شود. (صدوق، ۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۵۳)

۲. روایت دیگری در باب «ما جاء فی اتباع النساء الجنائز» از اسرائیل از اسماعیل بن سلمان از دینار ابی عمر از ابن حنفیه از امام علی علیه السلام نقل شده است. (ابن ماجه القزوینی، ۴۳۰ق، ج ۲، ص ۵۱۶) شیخ طوسی این روایت را از طریق عباد بن صهیب از امام صادق علیه السلام از امام محمدباقر علیه السلام از ابن حنفیه از امام علی علیه السلام نقل می‌کند. (طوسی، ۴۱۴ق، ص ۶۴۷)

۳. اسرائیل روایتی را در باب «الرجل یموت و یترک بتا و أختا و عصبه سواها» از جابر از شعبی از امام علی علیه السلام نقل می‌کند. (طحاوی، ۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۹۳) مضمون این روایات در ضمن روایت محمد بن مسلم از امام محمدباقر علیه السلام از صحیفه فرایض امام علی علیه السلام یافت می‌شود. (کلینی، ۴۲۹ق، ج ۱۳، ص ۵۶۰)

احادیث علوی منقول از اسرائیل در منابع شیعه نیز آمده که با گرایش ویژه محدثان شیعی در نقل از صادقین علیهم السلام قابل تطبیق نیست. در ادامه با تحلیل اسناد و متون این روایات می‌توان به عملکرد محدثان تحت تأثیر این مرجعیت ارزیابی کرد تا در پایان مشخص شود این نقل‌ها با مرجعیت مذکور در تناقض است یا خیر؟

الف. مَهر تأیید مرجعیت صادقین علیهم السلام بر احادیث راوی

همان‌طور که اشاره شد مرجعیت صادقین علیهم السلام پاسخی در برابر انتشار احادیث ساختگی علوی بود و راهی مطمئن را برای دستیابی به روایات صحیح فراهم می‌آورد. این مرجعیت هم به نقل از صادقین علیهم السلام پرداخته و هم معیاری در تأیید احادیث راویان میراث علوی قرار گرفت. برخی از روایات امام علی علیه السلام از طریق اسرائیل بن یونس در منابع

شیعه چنین می‌نماید؛ چنان‌که در ذیل نقل آن‌ها، روایاتی مؤید از امام صادق علیه السلام مشاهده می‌شود. برای نمونه روایتی در باب «الأضاحی» از عبیدالله بن موسی از اسرائیل از ابواسحاق از شریح بن هانی از علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌شود. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۱۲-۲۱۳) شیخ طوسی در ذیل این نقل، روایتی هم‌مضمون را از امام صادق علیه السلام از علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند. (همان، ج ۵، ص ۲۱۳)

شایان ذکر است که در سند صدوق به عبدالله بن موسی اشاره شده که تصحیفی از عبیدالله بن موسی است. (صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۴۴۰) عبیدالله بن موسی راوی کوفی (تفرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۱۸۷) و از اصحاب امام صادق علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۳۵) است. در منابع اهل سنت به تشیع وی تصریح شده (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۸۷) و اگرچه به امامی بودن آن در رجال شیعه اشاره‌ای نشده است، برخی از رجالیان ظاهراً او را امامی می‌دانند. (مامقانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۴۲) گویا اطمینان به این طریق برای عبیدالله بن موسی حاصل شده است؛ به طوری که صدوق، حدیثی دیگر به سند فوق - اسرائیل از ابواسحاق از شریح بن هانی از امام علی علیه السلام - در باب «العله التی من أجلها تجزی البدنة عن نفس واحدة و تجزی البقرة عن خمسة أنفس» نقل کرده است. (صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۴۴۰) روایتی هم‌مضمون در این رابطه از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل شده که اطمینان به این متن روایت را از اسرائیل ممکن می‌سازد. (همان، ج ۲، ص ۴۳۷-۴۳۸) هرچند در سند روایت مذکور نامی از امام علی علیه السلام موجود نیست، اسناد دیگر روایات ابوبصیر از امام صادق علیه السلام به حضور امام علی علیه السلام اشاره کرده است. (نک: صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۲۹۵؛ همان، ج ۲، ص ۳۵۳ و ۴۶۴؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۴۲؛ صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۵۰۹؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۵۳؛ همان، ج ۲، ص ۴۲۴) گویا برای اختصار، از ذکر آن حضرت در برخی اسناد خودداری شده است.

روایت دیگری از اسرائیل از علی علیه السلام در باب «تأدیب النساء» وجود دارد. بدین شکل که اسماعیل بن بشار از منصور بن یونس از اسرائیل از یونس از ابواسحاق از حارث از امام علی علیه السلام روایت می‌کند. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۸۴) در این زمینه نیز روایات تأییدکننده‌ای بر محتوای این روایت از ابن‌قده از امام صادق علیه السلام بیان شده است. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱؛ ص ۱۸۴) به نظر می‌رسد، مرویات ابن‌قده از امام صادق علیه السلام مرجعیت

آن حضرت را در انتقال میراث علوی نشان می‌دهد. (نک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۷، ص ۲۶۹ و ج ۱۲، ص ۲۷۹-۲۸۰؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۲۶)

نکاتی چند در جهت مطالعه بیشتر این سند قابل توجه است؛ در سند این روایت «اسماعیل بن یسار» آمده است. اسماعیل بن یسار تصحیف یافته «اسماعیل بشار» است؛ چنان که در برخی از نسخه‌های خطی «بشار» ذکر شده است. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۱۸۴) همچنین این روایت برخلاف روایت‌های دیگر اسرائیل که از ابواسحاق است، از طریق پدرش یونس صورت می‌گیرد. احتمال دارد که «عن یونس» تصحیف «من یوسف» باشد.

ب. نقل احادیث راوی از سوی محدثان غیر کوفی

محدثان شیعی کوفه بیشترین تأثیر را از مرجعیت صادقین علیهم السلام در انتقال میراث علوی پذیرفتند؛ زیرا خاستگاه پیدایش این مرجعیت که ناشی از جعل و بی‌اعتمادی به میراث موجود بود، در کوفه ظهور پیدا کرد. از این رو در این بافت حدیثی تمایل به دریافت روایات علوی از صادقین علیهم السلام مشاهده می‌شود. شاید بتوان ورود برخی از روایات علوی در منابع شیعه را ناشی از فعالیت محدثان غیرکوفی دانست. چنان که در برخی از مرویات اسرائیل این گونه به نظر می‌رسد. برای نمونه شیخ طوسی روایتی را از محمد بن احمد بن یحیی از ابوبصیر از ایوب بن محمد رقی از عمرو بن ایوب موصلی از اسرائیل از ابواسحاق سبعی از عمرو بن خالد از زید بن علی از پدرانش از امام علی علیه السلام نقل می‌کند. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۳) در اسناد مذکور وصفی از برخی راویان در کتاب‌های رجال شیعه وجود ندارد؛ مانند عمرو بن ایوب موصلی که راوی مجهول‌الحالی است. (بسام، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۱۲) ایوب بن محمد رقی نیز تنها نام وی در اسناد برخی از روایات مشاهده می‌شود ولی توضیح یا توصیفی از وی وجود ندارد. قابل تأمل است که با وجود نقل این روایت از شیخ طوسی، توصیف یا حتی نامی از این راویان در کتاب رجال و فهرست وی مشاهده نمی‌شود. شاید این عدم توصیف با توجه به مقدمه کتاب رجال قابل حدس باشد. شیخ طوسی در ضمن مقدمه به عدم ذکر برخی از راویان به دلیل انتشار آنان در سرزمین‌های دیگر تصریح می‌کند. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰) از آنجا که برخی از مهم‌ترین منابع رجال و فهرستی وی در کوفه تدوین شده

است، احتمال توصیف از راویان این حوزه حدیثی بیشتر خواهد بود. چنان که حمید بن زیاد کوفی صاحب کتاب فهرستی بوده و شیخ از کتاب‌های الرجال و الفهرست حمید استفاده کرده است. همچنین وی در مقدمه رجال از کتاب ابن عقده به عنوان کتاب جامعی یاد می‌کند که در مورد رجال امام صادق علیه السلام است. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۷) گویا شیخ به دلیل جامعیت این کتاب از آن بهره‌های بسیاری برده است. از این رو احتمال دارد که عدم ذکر این راویان، فعالیت در محیطی غیر از کوفه باشد.

در بررسی روایت فوق، ذکر این نکته لازم است که اگر عمرو بن ایوب موصلی، تصحیف عمر بن ایوب باشد، این راوی مجهول نیست و از راویان عامی به شمار می‌آید. (ابن معین، ۳۹۹ق، ج ۴، ص ۴۱۱) گویا با این حال مرجعیت موجود در کوفه بر نقل از وی تأثیر نگذاشت زیرا وی در موصل فعالیت می‌کرد. (مغلطای بن قلیج، ۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۲۹) شیخ طوسی روایت دیگری را از ایوب بن محمد رقی از سلام بن زرین از اسرائیل از ابواسحاق از حارث همدانی از علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند. (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷۳) نامی از سلام در کتاب‌های رجال و فهرستی گزارش نشده و تنها نام وی در طریق شیخ قابل مشاهده است. شاید بتوان توضیحات فوق را در این مورد نیز قابل تطبیق دانست.

شایان ذکر است اسرائیل راوی برخی از احادیث امام باقر علیه السلام و امام سجاد علیه السلام است. گویا شیعیان پیش از امام صادق علیه السلام به وی مراجعه می‌کردند ولی با افزایش تردید نسبت به روایات علوی، فراوانی آن کاهش یافته است. چنان‌که روایتی از احمد بن زیاد - راوی امام کاظم علیه السلام و واقفی - (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۵۹۰) از اسرائیل از جابر از امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است. (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۳۴؛ کوفی، ۴۱۰ق، ص ۳۶۹) همچنین شیخ طوسی روایت دیگری را از اسرائیل از ابواسحاق سبیعی از امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۳۴۸)

۳-۳. زهیر بن معاویه

زهیر بن معاویه (۱۰۰-۱۷۲) از جمله راویان حدیث انحصاری امام علی علیه السلام در منابع اهل سنت است. از زهیر روایتی در مورد استحباب زکات به آنچه زکات بر آن‌ها تعلق نگرفته نقل شده است؛ (قاسم بن سلام، بی‌تا، ص ۵۶۳؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۴۴-۲۴۵؛

حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۵۵۷؛ دارقطنی، ۴۲۴ق، ج ۳، ص ۳۶؛ ابن زنجویه، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۴۶؛ ابن خزیمه، ۴۳۱ق، ج ۴، ص ۳۰ و ج ۲، ص ۱۰۹۷؛ طحاوی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۲۲؛ طبری، بی تا، ج ۲، ص ۹۵۵) زهیر از راویان مورد اطمینان در رجال اهل سنت به شمار می آید. وی با الفاظی چون «ثقة ثبتا مأمونا کثیر الحدیث» (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۶، ص ۳۷۶) و «حافظا متقنا» توصیف می شود. (ابن منجویه، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۲۴) جایگاه زهیر به گونه ای گزارش شده که مردم پس از مرگ سفیان ثوری، او را بر هم عصرانش مقدم شمردند. (همان جا)

زهیر در رجال شیعه از اصحاب امام صادق علیه السلام به شمار می آید (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۱۱) ولی در منابع حدیثی فریقین روایتی از زهیر از آن حضرت یافت نمی شود. به نظر می رسد عدم نقل روایت وی از امام صادق علیه السلام ناشی از نابودی آثار وی نیست زیرا با بررسی کتاب های فهرستی و رجالی فریقین، گزارشی مبنی بر انتساب کتابی به زهیر وجود ندارد. گویا با توجه به سبک کتاب الرجال که طبقات نگاری است، بتوان تعبیر «اصحاب امام صادق علیه السلام» را بیانگر عصر فعالیت راوی دانست. با توجه به کمبود اطلاعات از وی در منابع شیعی و عدم نقل روایتی از وی از امام صادق علیه السلام این موضوع را می توان محتمل دانست که فضای حدیثی آن عصر، بدان سان بوده که فعالیت و منقولات راوی مورد توجه محدثان شیعی قرار نگرفته است. گویا بخشی از فعالیت حدیثی وی در منابع اهل سنت قابل شناسایی است؛ به طوری که منابع اهل سنت، نقل بسیاری از روایات امام علی علیه السلام از طریق زهیر را در خود جای داده است. (برای اطلاع از بعضی از این روایات نک: ابوداؤد طیالسی، ۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۱۷ و ۱۲۱؛ ابن جعد، ۱۴۱۰ق، ص ۳۷۴؛ ابن ابی شیبه، ۴۲۰ق، ص ۲۶۴؛ ابن دکین، ۴۱۷ق، ص ۱۹۳؛ ابن حنبل، ۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۵۳؛ دارمی، ۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۹۵۰؛ ابن ماجه قزوینی، ۴۳۰ق، ج ۲، ص ۳۳۵) در عین حال از آنجا که روایت انحصاری منقول از زهیر از امام علی علیه السلام است، می توان این فرضیه را مطرح کرد که منقولات وی متأثر از فضای ایجادشده از مرجعیت صادقین علیهم السلام در انتقال میراث علوی باشد. چنان که نوع روایات وی در منابع اهل سنت بیان می کند که فعالیت وی همراستا با این مرجعیت در این زمینه بوده است.

روایات مشترکی از امام علی علیه السلام که به طریق زهیر و امام صادق علیه السلام نقل شده است، این

همسویی را نشان می‌دهد؛ برای نمونه روایت زهیر در باب «الأصاحی» از ابواسحاق از حارث از امام علی علیه السلام است (ابوداود سجستانی، بی تا، ج ۳، ص ۹۷) در منابع شیعه نیز این روایت از طریق سکونی از امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل شده است. (طوسی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۲۱) نمونه‌ای دیگر این است که زهیر روایتی را در مورد ارث از ابواسحاق از حارث از امام علی علیه السلام نقل می‌کند. (دارمی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۹۵۰) متقابلاً حسن بن عماره نیز مشابه حدیث مذکور را از امام صادق علیه السلام از علی علیه السلام روایت می‌کند. در مثال مذکور، می‌توان تردید و عدم اعتماد نسبت به میراث علوی و مرجعیت امام صادق علیه السلام را مشاهده کرد؛ چنان‌که این حدیث حاکی از آن است که حسن بن عماره - راوی عامی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۳۱) - به امام علیه السلام مراجعه کرده و روایتی مشابه نقل زهیر را بر آن حضرت عرضه می‌کند. این تشابه هم در بخش ابتدایی سند - ابواسحاق از حارث از علی علیه السلام - و هم از لحاظ محتوایی است. (نک: طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۳۲۶) احتمال اینکه سند مذکور - ابواسحاق از حارث از امام علی علیه السلام - مورد تردید باشد، کم است و احتمالاً این تردید نسبت به احادیث علوی موجود اشاره دارد؛ چنان‌که این روایت در بافت حدیثی اهل سنت با طریقی غیر از زهیر نیز نقل شده است. (عبدالله بن مبارک، ۱۴۰۷ق، ص ۹۸؛ حمیدی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۱۸۱؛ ترمذی، ۱۳۹۵ق، ج ۴، ص ۴۱۶)

برای اطلاع از نحوه تعامل محدثان شیعی متقدم با روایات علوی منقول از زهیر، آن احادیث مورد مطالعه قرار گرفت. گویا وی با وجود اینکه میراث علوی را منتشر می‌کرد، مورد توجه محدثان شیعی قرار نگرفت. چنان‌که اسناد روایات زهیر حاکی از آن است که نقل مستقیمی از وی در فضای حدیثی شیعه صورت نگرفته و روایات وی از سوی راویان عامی به منابع شیعه راه یافته است. (برای مطالعه اسناد روایات راوی نک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۴، ص ۶۷۷؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۰۴؛ صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۳۲۱) برای نمونه روایتی از زهیر، از طریق عباس بن سعید ازرق - راوی عامی (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۴۵)* - به راوی شیعه، سعد بن عبدالله - راوی بسیاری از احادیث اهل سنت (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۷۷) - منتقل شده است. (نک: صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۳۲۲)

شاهدی دیگر، روایتی از زهیر در مورد یکی از قضاوت‌های امام علی علیه السلام است. طریق

و سند روایت عبارت است از: علی بن محمد از ابراهیم بن اسحاق احمر از ابو عیسیٰ یوسف بن محمد از سوید بن سعید از عبدالرحمن بن احمد فارسی از محمد بن ابراهیم بن ابی لیلی از هیشم بن جمیل از زهیر از ابواسحاق سبعی از عاصم بن ضمره. (کلینی، ۱۴۲۹ق، کافی، ج ۱۴، ص ۶۷۷) راویان پیش از زهیر تا ابراهیم بن اسحاق احمر مجهول هستند ولی بر اساس طبقهٔ راوی می‌توان سوید بن سعید را با سوید بن سعید انباری مذکور در رجال اهل سنت یکی دانست. (نک: حاشیه و تصحیح دار الحدیث بر کتاب کافی: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۴، ص ۶۷۷؛ همچنین نک: خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۳۱۶؛ ابوحجاج قضاعی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۲، ص ۲۴۷) شاید مجهول بودن راویان پس از زهیر تا ابراهیم بن اسحاق را بتوان متأثر از عدم فعالیت حدیثی این روایان در حوزهٔ حدیثی شیعیان دانست.

۳-۴. سعید بن ابی‌عروبه بصری

با توجه به تعامل و نزدیکی حوزه‌های حدیثی کوفه و بصره، می‌توان راویان بصری را در مطالعهٔ جریان‌های کوفه مورد واکاوی قرار داد. بدین خاطر سعید بن ابی‌عروبه (د. ۱۵۶) امام اهل بصره مورد بررسی قرار می‌گیرد. (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۱۵۱) وی صاحب مصنفاتی است (همان‌جا) و از او با تعبیر «احفظ الناس» یاد شده است. (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۷، ص ۲۷۴) سعید راوی ثقه بوده و احادیث بسیاری از وی نقل شده است. ابن ابی‌عروبه در اواخر عمر خویش دچار اختلاط شد (همان، ص ۲۷۳) ولی احادیث وی همچنان حجیت داشت، زیرا اختلاط زمانی یک حدیث را از حجیت می‌اندازد که بعد از اختلاط باشد یا روایاتی که معلوم نیست قبل از اختلاط یا بعد از اختلاط بوده است؛ چنان‌که بخاری و مسلم نیز به روایات وی اعتماد کردند. (نوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۱) وی یکی از راویان برجستهٔ احادیث انحصاری امام علی علیه السلام در منابع اهل سنت است. (برای نمونه روایتی در باب «حکم المکاتب اذا أسره العدو»: عبدالرزاق صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۹۵؛ ابواسحاق فزاری، ۱۹۸۷م، ص ۱۵۷؛ همچنین در مورد «ما قالوا فی رجلین تزوجا أختین فأدخلت امرأة کل واحد منهما علی صاحبه»: ابن ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۰)

در بررسی روایات این راوی نیز با احادیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام مواجه می‌شویم که

با محتوای نقل شده از صادقین علیهم السلام مشابه است. برخی از این نمونه‌ها عبارت‌اند از:

- سعید بن ابی‌عروب‌ه روایتی را در باب «بول الصبی» از امام علی علیه السلام نقل می‌کند. (عبدالرزاق صنعانی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۸۱) این روایت را سکونی از طریق امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام بیان می‌کند. (صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۲۹۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵۰)
- روایتی از سعید در مورد مکروهات در نماز نقل شده است. (ابن ابی‌شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۸۹) در این زمینه نیز روایتی مشابه از امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام بیان شده است. (ابن‌اشعث، بی‌تا، ص ۳۳-۳۴)
- روایت دیگری را سعید از امام علی علیه السلام نقل می‌کند (ابن ابی‌شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۵۰) که مشابه آن از امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل شده است. (ابن‌اشعث، بی‌تا، ص ۵۰)

روایتی از ابن ابی‌عروب‌ه در منابع شیعه وجود دارد که فضای تردید را نشان می‌دهد؛ چنان‌که عمر بن‌اذینه - از اصحاب امام صادق علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۵۴) - روایتی از سعید را بر زراره و فضیل عرضه کرد. آنان نیز با توجه به روایت امام باقر علیه السلام آن را تأیید کردند. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۸۲۲-۸۲۴)

روایت مذکور و دیگر روایات ابن ابی‌عروب‌ه در منابع شیعه از قناده ذکر شده است. (نوری، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۲۹۷؛ صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۷۴؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۶۶) ظاهراً این طریق در منابع شیعه مورد اعتماد واقع شده است. با وجود این، روایات از امام علی علیه السلام نقل نشده است. از سوی دیگر اسناد احادیث انحصاری امام علی علیه السلام در منابع اهل سنت نیز از این طریق وجود دارد. شاید بتوان این امر را حاکی از عدم اعتنا یا مراجعه محدثان شیعی در کسب روایات علوی از این راوی دانست.

۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که مرجعیت علمی صادقین علیهم السلام راهی مطمئن برای دستیابی به روایات امام علی علیه السلام است و این به معنای نفی دیگر طرق نخواهد بود؛ بنابراین بی‌اعتمادی به تمام احادیث علوی در غیر از منابع امامی جایگاهی ندارد. این نوشتار چند تن از راویان فعال این عرصه روایی را در کوفه - محیط تأثیر یافته از این مرجعیت -

شناسایی و مرویات آنان را بررسی کرده است تا نقش این مرجعیت را بر انحصار روایات علوی به تصویر کشد. در ابتدا سلیمان بن مهران، اسرائیل بن یونس، زهیر بن معاویه و سعید بن ابی عروب به عنوان راویان معارف علوی در عصر امام صادق علیه السلام شناسایی شدند، سپس برخورد محدثان شیعی با منقولات این راویان مورد واکاوی قرار گرفت. گونه‌هایی از برخورد این محدثان به دست آمد که گرایش آنان را به نقل روایات از طریق صادقین علیهم السلام نشان می‌دهد؛ نتایج این چنین است:

- در برخی از موارد مشاهده می‌شود که آن دسته از روایات علوی از آن راویان، مورد توجه قرار گرفته که از طریق امام صادق علیه السلام است.
- هم‌راستا با نقل احادیث علوی از این راویان، روایات تأییدکننده‌ای از امام صادق علیه السلام بیان شده که می‌توان آن را مهر تأییدی بر احادیث آن راویان دانست.
- برخی از روایات علوی منقول از راوی در منابع شیعه، از محدثان غیرکوفی نقل شده است. با توجه به اینکه خاستگاه پیدایش مرجعیت صادقین علیهم السلام در انتقال میراث علوی در کوفه شکل گرفت، بیشترین تأثیر این مرجعیت بر محدثان شیعی کوفه قابل مشاهده است.
- در برخی از شواهد، احادیث علوی از راویان مذکور، از سوی راویان عامی منتشر شده است و دخالتی از سوی محدثان شیعی عصر صادقین علیهم السلام در نقل آن‌ها وجود ندارد.
- در برخی از موارد نیز از راوی احادیث غیرعلوی نقل شده است که گویا اهتمام یا گرایشی به نقل احادیث امام علی علیه السلام از آن راوی وجود نداشت.

پی‌نوشت‌ها

* این راوی در منابع رجالی اهل سنت یافت نشد. گویا نام وی تصحیف شده است و در عین حال مشخص نیست که نمازی با چه قرینه‌ای وی را عامی دانسته است.

منابع

١. ابن ابی دنیا، ابوبکر عبدالله بن محمد، *إصلاح المال*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳م.
٢. ابن ابی شیبہ، ابوبکر عبدالله بن محمد بن ابراهیم، *الأدب*، تحقیق د. محمدرضا التهجوجی، الطبعة الأولى، لبنان: دار البشائر الاسلامیه، ۱۴۲۰ق/ ۱۹۹۹م.
٣. _____، *الكتاب المصنف فی الأحادیث والآثار*، تحقیق کمال یوسف حوت، الطبعة الأولى، الرياض: مكتبة الرشد، ۱۴۰۹ق.
٤. ابن اشعث، محمد بن محمد، *الجغفریات (الأشعثیات)*، تهران: مكتبة النبنوی الحدیثه، بی تا.
٥. ابن جعد، علی، *مسند ابن جعد*، تحقیق عامر احمد حیدر، الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة نادر، ۱۴۱۰ق/ ۱۹۹۰م.
٦. ابن حنبل، احمد، *فضائل الصحابة*، تحقیق وصی الله محمد عباس، الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
٧. _____، *مسند احمد*، تحقیق شعیب أرنؤوط - عادل مرشد، الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۱م.
٨. ابن خزیمه، ابوبکر محمد بن اسحاق، *صحيح*، تحقیق محمد مصطفی أعظمی، بیروت: المكتب الاسلامی، ۱۴۳۱ق.
٩. ابن دکن، ابونعیم فضل بن عمرو، *الصلاة*، تحقیق صلاح بن عایض شلاحی، الطبعة الأولى، المدینة: مكتبة الغرباء الأثرية، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۶م.
١٠. ابن زنجویه، ابواحمد حمید بن مخلد، *الأموال*، تحقیق شاکر ذیب فیاض، الطبعة الأولى، السعودیه: مرکز ملک فیصل للبحوث والدراسات الاسلامیه، ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۶ م
١١. ابن سعد ابوعبدالله محمد بن سعد، *الطبقات الكبرى*، تحقیق إحسان عباس، الطبعة الأولى، بیروت: دار صادر، ۱۹۶۸م.
١٢. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن، *تاریخ دمشق*، تحقیق عمرو بن غرامة العمروی، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۵م.
١٣. ابن ماجه قزوینی، ابوعبدالله محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، تحقیق شعیب أرنؤوط، الطبعة الأولى، بیروت: دار الرسالة العالمیه، ۱۴۳۰ق/ ۲۰۰۹م.
١٤. ابن معین، ابوزکریا یحیی، *تاریخ ابن معین*، تحقیق د. احمد محمد نور سیف، الطبعة الأولى، مکه المكرمة: مرکز البحث العلمی وإحياء التراث الاسلامی، ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹م.
١٥. ابن منجویه، احمد بن علی، *رجال صحيح مسلم*، تحقیق عبد الله لیثی، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۷ق.
١٦. ابوحجاج قضاعی، یوسف بن عبدالرحمن بن یوسف، *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، تحقیق بشار

- عواد معروف، الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ق/ ۱۹۸۰م.
۱۷. ابوبکر نیشابوری، محمد بن ابراهیم بن منذر، الأوسط فی السنن والاجماع والاختلاف، تحقیق ابوحماد صغیر احمد بن محمد حنیف، الطبعة الأولى، الرياض: دار طيبة، ۱۴۰۵ق، ۱۹۸۵م.
۱۸. ابوداوود سجستانی، سلیمان بن أشعث، سنن أبی داوود، تحقیق محمد محیی الدین عبد الحمید، بیروت: المكتبة العصرية، بی تا.
۱۹. ابوداوود طیالسی، سلیمان بن داود، مسند أبی داوود طیالسی، حقیق دکتور محمد بن عبد المحسن ترکی، الطبعة الأولى، مصر، دار هجر، ۱۴۱۹ق/ ۱۹۹۹م.
۲۰. ابوسعید مروزی، عبدالکریم بن محمد بن منصور، أدب الاملاء والاستملاء، تحقیق ماکس فایسفایلر، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۱ق/ ۱۹۸۱م.
۲۱. ابوسعید نقاش، محمد بن علی، فوائد العراقيين، تحقیق مجدی سید ابراهیم، مصر: مكتبة القرآن، بی تا.
۲۲. ابوشجاع الدیلمی، شیرویه بن شهردار، الفردوس بمأثور الخطاب، تحقیق سعید بن بسیونی زغلول، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۶م.
۲۳. ابویعلی موصلی، احمد بن علی، مسند أبی یعلی الموصلی، تحقیق حسین سلیم أسد، الطبعة الأولى، دمشق: دار المأمون للتراث، ۱۴۰۴ق/ ۱۹۸۴م.
۲۴. ابویوسف فارسی فسوی، یعقوب بن سفیان، المعرفة والتاریخ، تحقیق أكرم ضياء عمري، الطبعة الثانية، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ق/ ۱۹۸۱م.
۲۵. ابواسحاق فزاری، ابراهیم بن محمد، السير لأبى إسحاق الفزارى، تحقیق فاروق حمادة، الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۷م.
۲۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تصحیح جلال الدین محدث، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
۲۷. بسام، مرتضی، زیدة المقال من معجم الرجال، الطبعة الأولى، بیروت: دار المحجة البيضاء، ۱۴۲۶ق.
۲۸. بوضیری، احمد بن ابی بکر، إتحاف الخیرة المهرة بزوائد المسانید العشرة، تحقیق دار المشكاة للبحث العلمی بإشراف ابونمیم یاسر بن ابراهیم، الطبعة الأولى، الرياض: دار الوطن للنشر، ۱۴۲۰ق/ ۱۹۹۹م.
۲۹. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین، السنن الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، الطبعة الثالثة، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق/ ۲۰۰۳م.
۳۰. پاکتچی، احمد، حدیث، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۲ش.
۳۱. پاکتچی، احمد و دیگران، ابعاد شخصیتی و زندگی امام صادق علیه السلام، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۱ش.
۳۲. ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق وتعلیق احمد محمد شاکر و محمد فؤاد عبدالباقی، الطبعة الثانية، مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۹۵ق/ ۱۹۷۵م.

٣٣. تفرشی، مصطفی بن حسین، نقد الرجال، تحقیق مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لآحياء التراث، قم: مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لآحياء التراث، ١٣٧٧ ش.
٣٤. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحیحين، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، الطبعة الأولى، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١١ق/ ١٩٩٠م.
٣٥. حسين بن سعيد، كوفى اهوازى، الزهد، تحقیق غلامرضا عرفانيان يزدى، قم: المطبعة العلمى، ١٤٠٢ق.
٣٦. حقيقى، خليل، «امام صادق (عليه السلام) و شكل گيرى مكتب جعفرى»، فصلنامه علمى ترويجى علوم اسلامى، سال دوم، شماره ٧، ١٣٨٦ش، ص ١٣٣-١٦٠.
٣٧. حميدى، ابوبكر عبدالله بن زبير، مسند حميدى، تحقیق حسن سليم أسد دآراني، الطبعة الأولى، دمشق: دار السقا، ١٩٩٦م.
٣٨. حميرى، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تحقق مؤسسة آل البيت عليهم السلام، الطبعة الأولى، قم: مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، ١٤١٣ق.
٣٩. خزاز رازى، على بن محمد، كفاية الأثر فى النصّ على الأئمة الاثنى عشر، تحقیق حسينى كوهكمري، عبداللطيف، قم: بيدار، ١٤٠١ق.
٤٠. خطيب بغدادى، ابوبكر احمد بن على، تاريخ بغداد، تحقیق دكتور بشار عواد معروف، الطبعة الأولى، بيروت: دار الغرب الاسلامى، ١٤٢٢ق/ ٢٠٠٢م.
٤١. دارقطنى، ابوالحسن على بن عمر، سنن الدارقطنى، تحقیق شعيب ارنؤوط، حسن عبدالمنعم شلبى، عبداللطيف حرز الله، احمد برهوم، الطبعة الأولى، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٢٤ق/ ٢٠٠٤م.
٤٢. دارمى، ابومحمد عبدالله بن عبدالرحمن، مسند الدارمى (سنن الدارمى)، تحقیق حسين سليم أسد دارانى، الطبعة الأولى، المملكة العربية السعودية: دار المغنى للنشر والتوزيع، ١٤١٢ق/ ٢٠٠٠م.
٤٣. دولابى، محمد بن احمد، الكنى والأسماء، تحقق ابوقتيبة نظر محمد فاريابى، الطبعة الأولى، بيروت: دار ابن حزم، ١٤٢١ق/ ٢٠٠٠م.
٤٤. ذهبى، شمس الدين ابوعبدالله محمد بن احمد، الكاشف فى معرفة من له رواية فى الكتب الستة، تحقیق محمد عوامة احمد محمد نمر خطيب، الطبعة الأولى، جدة: دار القبلة للثقافة الاسلامية - مؤسسة علوم القرآن، ١٤١٣ق/ ١٩٩٢م.
٤٥. _____، سير أعلام النبلاء، تحقیق مجموعة من المحققين بإشراف شيخ شعيب أرنؤوط، الطبعة الثالثة، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥م.
٤٦. _____، ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، تحقیق على محمد بجاوى، بيروت، دار المعرفة للطباعة والنشر، الطبعة الأولى، بيروت: ١٣٨٢ق/ ١٩٦٣م.
٤٧. رافعى قزوینى، عبدالکريم بن محمد، التدوين فى أخبار قزوین، تحقیق عزيز الله عطاردى، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤٠٨ق/ ١٩٨٧م.

۴۸. سعید بن منصور، ابو عثمان، التفسیر من سنن سعید بن منصور، تحقیق د سعد بن عبدالله بن عبدالعزیز آل حمید، الطبعة الأولى، الرياض: دار الصمیعی للنشر والتوزیع، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۷م.
۴۹. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن أبی بکر، اللآلیء المصنوعة فی الأحادیث الموضوعه، تحقیق ابو عبدالرحمن صلاح بن محمد بن عویضة، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۶م.
۵۰. شافعی محمد بن إدیس، الأم، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۰ق/ ۱۹۹۰م.
۵۱. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، تحقیق موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم، الطبعة الثانية، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۵۲. صحرايي اردکانی، کمال، «نقد و بررسی حدیث در مکتب جعفری»، ابعاد شخصیتی و زندگی امام صادق علیه السلام به کوشش احمد پاکتچی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۱ش.
۵۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الأمالی، الطبعة السادسة، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۵۴. ———، التوحید، تحقیق هاشم حسینی، الطبعة الأولى، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۵۵. ———، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۵۶. ———، علل الشرائع، قم: مکتبه الداوری، ۱۳۸۵ش - ۱۹۶۶م.
۵۷. ———، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۵۸. ———، کتاب من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، الطبعة الثانية، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۵۹. طبری، محمد بن جریر، تهذیب الآثار وتفصیل الثابت عن رسول الله من الأخبار (تهذیب الآثار مسند عمر)، تحقیق محمود محمد شاکر، القاهرة: مطبعة المدني، بی تا.
۶۰. طحاوی، احمد بن محمد بن سلامة، أحكام القرآن الکریم، تحقیق دکتور سعد الدین أونال، الطبعة الأولى، استانبول: مرکز البحوث الاسلامیه التابع لوقف الדיانة التركي، ۱۴۱۶ق/ ۱۹۹۵م.
۶۱. ———، شرح معانی الآثار، تحقیق محمد زهری نجار و محمد سید جاد الحق، الطبعة الأولى، المدينة النبویه: عالم الکتب، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۴م.
۶۲. طوسی، محمد بن الحسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تحقیق خرسان، حسن الموسوی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۶۳. ———، الأمالی، تحقیق حسن الموسوی خرسان، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۶۴. ———، تهذیب الأحکام، تحقیق حسن الموسوی خرسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۶۵. ———، رجال طوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۱۵ق.
۶۶. ———، معانی الأخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۳ق.

٦٧. عبدالرزاق صنعانی، ابوبکر عبدالرزاق بن همام، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن أعظمی، الطبعة الثانية، الهند: المجلس العلمي، ١٤٠٣ق.
٦٨. عبدالله بن مبارک، ابوعبدالرحمن مروزی، مسند عبدالله بن المبارک، تحقیق صبحی بدری سامرائی، الطبعة الأولى، الرياض: مكتبة المعارف، ١٤٠٧ق.
٦٩. عجلی کوفی، ابوالحسن احمد بن عبدالله، معرفة الثقات من رجال أهل العلم والحديث ومن الضعفاء وذكر مناهبهم وأخبارهم، تحقیق عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی، الطبعة الأولى، المدينة المنورة: مكتبة الدار، ١٤٠٥ق/ ١٩٨٥م.
٧٠. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق و تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، ١٣٨٠ق.
٧١. قاسم بن سلام، ابوعبید، الأموال، تحقیق خلیل محمد هراس، بیروت: دار الفكر، بی تا.
٧٢. قاضی نعمان، ابن حیون نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، تحقیق آصف فیضی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ١٣٨٥ق.
٧٣. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق موسوی جزائری، طبیب، قم: دار الكتاب، ١٤٠٤ق.
٧٤. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق دار الحدیث، قم: دار الحدیث، ١٤٢٩ق.
٧٥. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق کاظم، محمد، الطبعة الأولى، تهران: مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الارشاد الاسلامی، ١٤١٠ق.
٧٦. مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال فی أحوال الرجال، تحقیق مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، الطبعة الأولى، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ١٤١٦ق.
٧٧. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، بی نا، بی جا، بی تا.
٧٨. مغلطای بن قلیچ، إكمال تهذیب الكمال فی أسماء الرجال، تحقیق ابوعبدالرحمن عادل بن محمد و ابو محمد أسامة بن ابراهیم، القاهرة: الفاروق الحديثة للطباعة و النشر، ١٤٢٢ق/ ٢٠٠١م.
٧٩. مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة، تحقیق میر شریفی، علی، قم: کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ق.
٨٠. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق موسی شیرازی، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الاسلامی، ١٣٦٥ ش.
٨١. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، الطبعة الأولى، تهران: فرزندان مولف، ١٤١٤ق.
٨٢. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، بیروت: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ١٤٢٩ق.
٨٣. نووی، ابوزکریا محیی الدین یحیی بن شرف، تهذیب الأسماء واللغات، تحقیق شركة العلماء بمساعدة إدارة الطباعة المنيرية، بیروت: دار الكتب العلمية، بی تا.